

که این ز عادت اهل کرم بیرون باشد
که بود که به پیش عادت طرز اولی

فلادۀ کما زنت بگردنش بند
بویغای که منتنه بویتنه بقیه

هزار بار زیارت فرین باشد **مطایبه** اعراض
بسیار بود و کف زبانه اولی

شتری که گرد بانگ ی زده که شترها من آدمی است
له لاده می بود که بنه و می که کتان با نوبه ندر

دو شتر گفتند هی هات این چاکا است کتا سر بار
اگر دوه بهای بوز لیدر که سر می کدر

از خوار است گفت شما لذت یافت و جلالت و جلال
کسر و کف و دوی سز بولن لذت و بی بولن و له فی

بخشید اید معذورید **قطعه**
فی تاملی سرور معذور سز

کم شد که چنانچه حقیقت مکی
باده خوش که بود کولدر ای اسکندره و کلن کدر

هت در قاعدۀ فرده شناس لذت یافتن از یافتن بنا
ولدر فتنه کلاجه قاعه بس بولنه لذت بولنده کدر

مطایبه طیبی را دیدند هر بار که بکرستان رسید
طیبی که بود طیبی را پیش

ردا در و کشیدی از سببانش سوال کردند گفت
دولت بود که بود که از سببانه که سوله آید و دوی

از مرده کان این کوهستان شرم دارم ز بار هر که می گذرم
بومقاجله لولش کوه لوانا تخم و تادم زبانه بود که که اولی

ضربت من خورده است و در هر که می بکرم از شربت من
بنم ضربت من بکرم هفی بود که که باقی بنم شربت

مرده است **قطعه** ای رای تو در علاج بیمار علی
ای طیبی بکرم که که فتنه کله فتنه علقه در

بر آمدن مرگ فزوم تو د لیل
موت کله سز سز کله کله و لیل

در کشف ما مونت جانستان
بنم لطفی من باه لاله زفتی

بر داشته ز کردن عزیز ای **قطعه** دیگر
تادرس کدر فدا کله بویتنه

ای صنعت طب شکست با از از تو
ای طیبی طب صنعتی با از ای صنعتی سده

هر چند بود بهیج بیمار از تو
بویغای که اولی زفتی فتنه سده

المنه لله که عجب خوشتر دند
که فدا به که عجب و لطفی در

غسال و کفن فروش و حقار از تو
کولدی بود که کله فتنه

مطایبه یکی از حکما گفت است طیبی ناقص و با است
بیسر عملاده و سز که کله طیبی و با در